

ایران در آئینه‌ی آمار

تهیه و تنظیم از مریم اسکویی

فرار جوانان از خانه‌ها رو به افزایش است

به گزارش خبرگزاری دانش‌جویان ایران، «در طول سال ۸۰، ۴هزار و ۷۳ نوجوان فراری توسط مرکز سازمان‌دهی کودکان و نوجوانان خیابانی معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران شناسایی و مورد هدایت قرار گرفتند که ۱۴/۳ درصد آن‌ها را دختران و ۸۵/۷ درصد را پسران شامل می‌شوند». هم‌چنین بر اساس آمار نیروی انتظامی نیز در چهارماه سوم سال ۸۰، ۶۰ هزار و ۱۵۶ نفر از نوجوانان فراری توسط این دستگاه دستگیر شده‌اند. هر چند به دلیل زندگی پنهانی افراد فراری، جابه‌جایی و متغیر بودن تعداد آن‌ها در زمان‌های مختلف دست‌یابی به آمار دقیق آن‌ها امکان‌پذیر نیست. با این حال بر پایه آمارهای غیررسمی هر ماه ۸۵ تا ۱۰۰ کودک و نوجوان از خانه‌های خود فرار می‌کنند که بیش از نیمی از آن‌ها دختر هستند. با وجود افزایش تعداد فراریان طی سال‌های اخیر، بالا بودن فرار دختران نسبت به پسران در سال‌های گذشته نیز چشم‌گیر بوده است. در سال ۷۸، یک هزار و ۲۲۴ مورد فقدان دختر گزارش شده که ۱۴۵ مورد آن در شهرریور رخ داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۹۸ درصد پرونده‌ها مربوط به دختران فراری است. گزارش آماری ۳ ماهه اول ۸۰ نشان دهنده‌ی رشد فرار دختران است. به نحوی که در خرداد سال ۸۰، ۲۰۳ مورد پرونده در مورد دختران فراری تشکیل شده که نسبت به سال ۷۹، ۸۸ مورد بیشتر بوده است. هم‌چنین نتایج تحقیقی که توسط "معاونت مبارزه با مفاسد اجتماعی نیروی انتظامی" در خصوص وضعیت زنان فراری صورت گرفته است نشان می‌دهد که ۷۲ درصد زنانی که از منزل فرار کرده‌اند در سنین ۱۶ تا ۲۵ سال قرار داشته و ۹۸ درصد زنانی که از منزل فرار کرده‌اند از شهرها یا مراکز استان کشور هستند. ۹۴ درصد زنان فراری یا بی‌سواد بوده و یا سواد در حد ابتدایی و راهنمایی دارند. ۵۹ درصد از زنان فراری در مقطعی از زمان ازدواج رسمی کرده و ۴۱ درصد آن‌ها مجرد هستند.

کودکان "بی‌هویت" معضلی اجتماعی در ایران

دکتر معتمدی، مدیرکل دفتر امور آسیب‌دیده‌گان اجتماعی بهزیستی، در مصاحبه‌ای با ایسنا در تاریخ ۲۳ مرداد ۸۱، وضعیت کودکان "بی‌هویت" را تشریح کرد. او در این مصاحبه گفت: «کودکان بی‌هویت حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی که ترک کشور کرده‌اند نباید به کشورشان بازگردانده شوند. این کودکان در افغانستان به کجا باید پناه ببرند، آیا آن‌جا به راستی هویتی می‌یابند؟» لازم به توضیح است که بر اساس قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران: «کودکانی که مادر آن‌ها ایرانی و بدون کسب موافقت دولت جمهوری اسلامی با تبعه خارجی ازدواج کرده‌اند، اخذ شناسنامه و در نتیجه تحصیل تابعیت ایران برای آن‌ها غیرممکن است». دکتر معتمدی با اشاره به این قانون می‌گوید: «به مجلسیان بگویید که کودکان بی‌هویت (فاقد شناسنامه) رشد کرده‌اند و بزرگ شده‌اند و وارد نوجوانی شده‌اند، نوجوان بی‌هویت در معرض آسیب‌های فراوان است». وی دسته‌ای از کودکان بی‌هویت را حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی برشمرد و توضیح داد که شماری از مردان افغانی پس از ازدواج در ایران، خاک کشور را ترک کردند و همسران‌شان به خاطر داشتن تابعیت ایرانی ماندگار شدند با کودکانی که اینک سرپرستی ندارند و در سطح کوچه و خیابان شهرها رها شدند. او هم‌چنین گفت: «دسته دوم کودکان بی‌هویت، دارای پدر و مادر ایرانی، و حاصل صیغه‌های پنهانی هستند که نه مادر - به دلیل ترس از موقعیتش - و نه پدر - به دلیل خودخواهی و یا حاضر به پذیرش کودک نیستند و یا پدر، زن صیغه‌ای و کودک را رها کرده و مادر مانده و فرزندش». دکتر معتمدی می‌افزاید: «گروه دیگری از کودکان بی‌هویت، ثمره ازدواج‌های شرعی ثبت نشده به هر دلیل ممکن هستند. برخی از کودکان بی‌هویت حاصل روابط نامشروعند که تولد این دسته از فرزندان نیز ممکن است در جایی به ثبت نرسد». وی پس از این دسته‌بندی با اشاره به ۴ هزار ازدواج صورت گرفته زنان ایرانی با مردان افغانی، احتمال می‌دهد ۷ تا ۸ هزار کودک بی‌هویت در کشور داشته باشیم.

قدرت خرید کارکنان دولت ۵۰ درصد کاهش یافته است

علی صفدری رئیس مرکز توسعه، فن آوری و نوسازی اداری وابسته به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در جمع مسئولان و مدیران اجرایی استان فارس در روز چهارشنبه ۲۳ مرداد ۸۱، در رابطه با کاهش قدرت خرید کارکنان کشور گفت: «حقوق کارکنان دولت در سال ۸۰ نسبت به سال ۵۷ با در نظر گرفتن قیمت ثابت، ۵۰ درصد کاهش یافته و به عبارت دیگر، قدرت خرید این افراد به نصف میزان سابق رسیده است». او سپس افزود: «از سال ۵۷ تا سال ۷۸ تعداد کارکنان دولت به ۴ برابر رسیده و تعداد مدیران نیز ۶۰ درصد اضافه شده در حالی که جمعیت کشور در این مدت دو برابر شده است». وی گسترش ارائه خدمات دولتی را نشانگر پیچیده تر شدن نظام اداری کشور و ناکارآمد بودن آن توصیف کرد.

۸ هزار پزشک عمومی بیکار هستند

شهاب الدین صدر رئیس سازمان نظام پزشکی تهران با اعلام این خبر که دومین همایش علمی-کاربردی پزشکان عمومی سراسر کشور که از روز ۲۷ تا ۳۱ مرداد برگزار می شود در جمع خبرنگاران به بررسی مشکلات پزشکان پرداخت و گفت: «دو سوم پزشکان کشور عمومی هستند که حدود ۲۰ هزار پزشک عمومی فقط در سطح تهران و اطراف تهران در حال خدمت اند و ۵۰ هزار پزشک عمومی نیز در سطح کشور پراکنده اند، که از این مجموع ۸ هزار پزشک عمومی در کشور بیکارند و این پزشکان نسبت به سایر اقشار پزشکی، با مشکلات متعددی چون تعرفه، مالیات و بیکاری مواجه اند».

سهم ناچیز بهداشت و درمان در ایران

ظفرقندی رئیس کل سازمان نظام بهزیستی کشور در سخنانی که در «آفتاب یزد» ۲۳ مرداد ۸۱ انتشار یافته می گوید: «بر اساس آمار منتشره از سوی بانک مرکزی، در سال ۱۳۷۹، ۳/۴ درصد از درآمدهای یک خانواده ایرانی در طول سال صرف بهداشت و درمان می شود که این رقم نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه بسیار پایین است». او سپس افزود: «سهمی که دولت برای بخش بهداشت و درمان هزینه می کند به ازای هر نفر ۱۵۶۰ تومان در ماه یعنی رقمی معادل ۲۲ دلار در سال است، و باقی مانده این مبلغ از سبد خانواده هزینه می شود». وی با اشاره به این که ۸۰۰۰ پزشک، ۱۴۰۰۰ ماما و ۱۸۰۰۰ هزار پرستار بیکار هستند گفت: «این در حالی است که در شبکه بهداشت و درمان کشور، با ۵۰۰۰ پست خالی روبه رو هستیم». ظفرقندی در پایان یادآور شد: «ایران در مقایسه با کشورهای همسایه باید حداقل ۶ درصد از سرانه درآمد ناخالص ملی خود را صرف بهداشت و درمان کند در صورتی که تنها ۴/۸ درصد از این درآمد به این شبکه اختصاص می یابد».

مشکل کلاس های درسی در ایران

مهندس محمدعلی افشانی معاون وزیر آموزش و پرورش در سخنانی پیرامون وضعیت فضاهای درسی در کشور که در «حیات نو» ۱۹ مرداد ۸۱ به چاپ رسیده است گفت: «در حال حاضر ۴۲ درصد فضاهای آموزشی کشور دو شیفته هستند؛ ۶۰ هزار کلاس در کشور با مشکل روبه رو هستند که از این تعداد ۴۷ هزار غیراستاندارد و ۱۳ هزار دیگر استیجاری است» و سپس افزود: «مدارس ایران تا ۱۰ سال آینده هم یک شیفته نخواهند شد».

طرح های نیمه تمام در ایران

مجیدانصاری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در سخنانی که در «آفتاب یزد» ۱۹ مرداد ۸۱ به چاپ رسیده، پیرامون طرح های ناتمام در کشور گفت: «۱۰ هزار طرح و پروژه نیمه تمام در کشور وجود دارد که میانگین زمان بهره برداری پروژه ها بین ۹ تا ۱۰ سال می باشد و حتی به ۱۵ تا ۲۰ سال نیز به طول می انجامد. چون زمان بهره برداری بستگی به بزرگی پروژه ها دارد». وی سپس اضافه کرد: «هم اکنون بیش از ۷۰ درصد بودجه کشور صرف هزینه های جاری می شود و همین امر موجب شده دست دولت و مجلس در تأمین منابع مالی مورد نیاز طرح های عمرانی بسته باشد».